

مانویان مجذوب تعالیم

اسلام می شوند

اسلام، بدون اینکه آنان را طرد نماید، و به شکنجه و آزار آنان پردازد؛
 آنهارا بصورت شاگردان فکری خود تلقی می نماید؛ و به تربیت آنان همت
 می گمارد در نتیجه آنان مجذوب عقاید اسلامی می شوند و از روی عشق
 و علاقه اسلام را می پذیرند.

باشد؟
 این مطلب باینش جدید، بینشی که اسلام بماداده
 که لحظه ای خود در انمی توانیم از توحید و عقاید اسلامی
 دور کنیم، درست است ولیکن بقول جامعه شناسان،
 نباید مسائلی را که مربوط به گذشته وجو و محیط دیگر
 است، باینش امروز دید، بلکه هر موضوعی را باید
 در همان محیط وجو و باینش زمانش دید و تجزیه و

طبق گفتار بعضی از دانشمندان مهمترین سبب توسعه
 و گسترش تعالیم مانی این بوده که تعالیم او در آن زمان
 ساده و بی آرایش و مترقیانه بوده است (۱).
 این حرف باین سادگی قابل پذیرش نیست و جای
 این سؤال باقی است: تعالیم مانی که روی ثنویت
 و دوگانگی پی ریزی شده و سرتاسر آن پر از خرافات
 و افسانه است؛ چگونه می تواند بی پیرایه و مترقیانه

(۱) - تاریخ اجتماعی ایران: ج ۲ ص ۲۲.

است یا «آتن» جنگ می کردند خدایان آنها هم با هم در جنگ بودند و همچنین . . . (۳)

در این زمان که انتظار می رفت آئین پاك حضرت مسیح (ع) مردم را به توحید و خداشناسی رهنمون شود، سوگمندان به دست افرادی چون «پولس» تحریف گشته، بطوری که کاملاً صفا و نورانیت خود را از دست داده و رنگ دیگری بخود گرفته بود؛ فی المثل عقیده به «تثلیث» پرستش «خدا، یا پاك خدای سه ضلعی، - یکی از عقاید خرافی بت پرستان بسیار قدیم بوده که در دیانت های مصری و هندی، چینی و بابلی وجود داشته است - در میان ملل مسیحی کاملاً شایع شده بود (۴) .

بدین ترتیب، چراغ هدایت پیغمبران بدخاموشی گزاشته و موجی از خرافات و عقاید باطل سرتاسر جهان را فرا گرفته بود .

از این رومی توان گفت تعالیم مانی نسبت به ادیان و تعالیم تحریف شده آن زمان مترقیانه و بی پیرایه بوده است، زیرا او «پلی تثیسم» (چندخدائی بهر معنی؛ چه بصورت رب النوع های مختلف و چه بصورت سمبل های بت پرستی) و «تثلیث» را به «ثنویت» (دوگانگی) ترقی داده و تا می توانست از خرافات نیز کاسته بود .

توحید زیر بنای تعالیم اسلام

همینکه اسلام آمد و توحید و یگانگی را زیر بنای

تحلیل کرد؛ مادر دوری باید نظری بگذشته بیفکیم و این مسأله را در زمان و در ظرف خود مطالعه نمایم آن، و وضع مذهبی دنیای آن روز را در نظر بگیریم .

مانی در زمانی ظهور کرد که در میان زردشتیان، پرستش عناصر طبیعت به صورت رب النوع های مختلف کاملاً رایج و جدی بوده است، آنان خدایان یشماری را می پرستیدند که در جنگ و ستیز بر ضد اهریمن و دیوها، با «اهورامزدا» همکاری داشتند و در مقابل اینها اهریمن یا «انگرامنی نیو» قرارداد داشت که پیوسته در مقابل اهورامزدا و یارانش با هزاران دیو و شیطان خود آفریده! صف آرائی کرده بودند (۲) .

مردم بابلی ستارگان، خورشید و ماه را پرستش می کردند، سیارات را مسکن خدایان می دانستند بتنهائی را به اشکال گوناگون در بتکده ها مورد ستایش قرار میدادند و قربانیها می کردند .

هر قوم و هر ملت خدایان ویژه ای داشتند، این شرك نژادی بود که خدایان هر ملت را از همدیگر متمایز می ساخت، مثلاً خدایان ایرانی از خدایان یونانی و خدایان هر دو از خدایان چینی، خدایان گوناگون، مثل: «ویشنو» مثل «اهورامزدا»، مثل «دئوس» از هم جدا شده میشدند و گاهی با همدیگر بدین روش می پرداختند، فی المثل وقتی ایران یا یونان می جنگید، زئوس و اهورامزدا با یارانشان در آسمان می جنگیدند اباقوتی که «لائو کون» که خدای «تروا»

(۲) تاریخ اجتماعی ایران باستان: ص ۴۴ - ۴۴۵ .

(۳) مراجعه شود به کتاب: تاریخ جامع ادیان تألیف جان ناس .

(۴) فرهنگ قرآن: ص ۴۱۲ واژه نصرانی .

کردیم چیزی که مثلا فاعل خیر است ، فاعل «شر» هم باشد، روی این اصل باید مبدا عالم دو چیز باشد ، برای چیزهای خیر مبدا خیر و برای چیزهای شر مبدا شر لازم است آید نمی بینید یخ در حالی که منجمد می باشد محال است داغ شود و آتش نیز در ضمن اینکه آتش است در همان لحظه سرد گردد؟ بدین جهت ما برای این عالم دو صانع که هر دو قدیمند، اثبات کرده ایم یکی نور و آن دیگری ظلمت .

پیغمبر اکرم (ص) در پاسخ فرمود: آیا نامدار این عالم رنگهای گوناگون: سیاه؛ سفید؛ سرخ ، زرد ، سبز و آبی مشاهده نمی کنید؟ بطور مسلم هر يك از این رنگها ضد دیگری است زیرا محال است دورنگ (با حفظ خصوصیات خود) در يك محل جمع شوند ، گفتند: آری، حضرت فرمود پس چرا به تعناد هر رنگ صانع و خالقی که قدیم باشند ، اثبات نکردید؛ آید؟ نا اینکه فاعل هر يك از این اضداد ، غیر از فاعل ضد دیگر باشد، اینجا بود که مانویان ، نتوانستند پاسخ بگویند (۵) .

منطق اسلام را بینید بجای اینکه آنان را از خود برانند و به شکنجه و آزار آنان پردازد آنها را تحت تأثیر منطق استوار خود قرار میدهد و به تربیت و هدایت آنان همت می گمارد، بقول بعضیها کارش کوچک - نوازی و رفتارش، رفتار استاد در برابر شاگرد است. هشام بن حکم در ضمن حدیثی از یکنفر مانوی (زندیق) که خدمت امام صادق (ع) رسیده نقل کرده

تعالیم عالی خود قرارداد: در مقابل جهان بینی: دو خدائی سه خدائی؛ چند خدائی و چند قطبی، نوعی جهان بینی خاصی به پیروان خود نشان داد و تمام جهان هستی را يك واحد هماهنگ در زیر يك قدرت و يك تدبیر تحقق بخشید بطوریکه تمام مرزها و سقفها و تقسیم بندیها فروریخت و تمام تضادها و تناقضها و ناهماهنگیها که در ذهن افراد مشرک تصویر می شود، بکلی از بین رفت ، طولی نکشید شمارها و افکار اعتقادی اسلامی، ایدئولوژی های شرق و غرب را بر اساس بنش خود دگرگون ساخت . مانویها و مادیها و سایر افراد منحرف در محیط پهناور اسلامی خود را کاملا آزاد میدیدند هر نوع اشکال و انتقاد و ایراد خود را مطرح کنند و از اسلام پاسخ بخواهند، اسلام جوان و نیرومند هرگز نمی ترسد تا دهان باز نماید، مسلمانان منحرف شوند ، لذا هربران و دانشمندان اسلامی می گذاشتند آنان سخنان خود را بگویند و جوابش را بشنوند .

پیغمبر اکرم (ص) در مسجد نشسته است ، علما و دانشمندان پنج ملت : یهود، نصاری ، دهری ، مانوی و مشرکان عرب، جهت مناظره و مباحثه دور او را گرفته ، هر کدام سؤالات خود را مطرح می ساختند و جواب از پیامبر اسلام می شنیدند، پیامبر (ص) از مانویان و دوگانه پرستان پرسید چه چیز باعث شده که شما به دو مبدا گرایش پیدا کرده اید؟ عرض کردند می بینیم این جهان از دو صنف : خیر و شر تشکیل یافته است بطور مسلم خیر و شر ضد یکدیگر هستند و لذا اما انکار

(۵) الاحتجاج : مرحوم طبرسی ص ۶ - ۹ - این حدیث بسیار مفصل است و ما بطور خلاصه به محل

شاهد اکتفاء کردیم .

به بحث و مناظره پردازند.

* * *

مؤلف «عقد الفرید» می نویسد: مأمون بایکی ازمانویها بحث می کرد در ضمن بیانش به او گفت: من از تو دو موضوع را سؤال می کنم نه بیشتر، آیا اگر شخصی مرتکب گناهی شده باشد و بعد پشیمان شود پشیمانی او خوب است یا بد؟ گفت خوب است، مأمون گفت، بنابراین همان کسی که خود مرتکب بدی شده بود بعد بواسطه پشیمانی، فاعل خوبی گشته است، مانوی گفت آری، مأمون گفت: بنابراین فاعل شر و مرتکب بدی خود عامل خیر و صاحب نیکی می باشد، پس ادعای شما که می گوئید انسان بایک نظر زشتی می کند یا نظر دیگر نیکی بجا می آورد باطل است، مانوی گفت انسان فاعل زشتی غیر از انسان عامل نیکی است، مأمون گفت بنابراین می گوئی کسی که بدی می کند و بعد پشیمان می شود و بواسطه پشیمانی خوبی می نماید یک شخص نیست و پشیمانی او بر عمل خود نبوده بلکه بر عمل دیگران است، (۸) با همین برهان

است که: امام (ع) فرمود: این که تومی گوئی دو مبده بر جهان حکومت می کند از این سه حال خارج نیست که یا هر دو قدیمند و توانا یا هر دو قدیمند و ضعیف، یا یکی تواناست و دیگری ناتوان، اگر هر دو توانا باشند چرا هر کدام بدفع دیگری نپردازند (۶) و خود را بیهمتا ن سازند اگر بگوئی یکی توانا است و دیگری ناتوان، ثابت می شود که همان توانا خداست و ضعیف خدا نیست.

و به بیان دیگر: اگر تو بگوئی که آنها دو تانید، یا از هر جهت یگانه اند یا از هر جهت جدا هستند، وقتی ملاحظه می کنیم خلقت رشته منظمی دارد جهان بطوریک نواخت به سیر خود ادامه میدهد و تدبیر عالم یکسان است و شب و روز، خورشید و ماه رامی بینیم، درستی کار و ازاده، هماهنگی جهان هستی دلالت دارند که مدبر یکی است (۷).

آری دانشمندان و متکلمین مانوی مذهب به قدری در محیط اسلامی آزادی داشتند که می توانستند آزادانه با علما و دانشمندان و حتی زمامداران مسلمان

(۶) توضیح این که: مقصود امام از این که: هر گاه هر دو قوی باشند، باید یکی دیگری را از بین ببرد، این است که علم توانائی یکی بر نابودی دیگری نشانه ضعف و ناتوانی هر دو مبده است.

تصور این که این دو مبده از هر نظر توانائی و اقتدار دارند، جز اینکه رقیب خود را نمی توانند از بین ببرند، خود یک نوع اعتراف به ضعف هر دو است و باید مبده جهان از هر دو نقص و ضعف پیراسته باشد.

(۷) اصول کافی: کتاب توحید: حدیث ۵ - کتاب الاحتجاج ص ۱۷۰ - ص ۱۷۱ در قسمت احتجاجات امام صادق (ع)، امام با همان زندق به بحث ادامه میدهد، مادر این جا برای اختصار از ذیل حدیث صرف نظر کردیم.

(۸) العقد الفرید: ابن عبدربه (۲۴۶ هـ. ق. - ۳۲۸ هـ. ق.) ج ۲ ص ۲۰۷ طبع مصر - کتاب الحيوان: ج احتج ص ۴ ص ۴۴۳ طبع مصر - با کی اختلاف: در کتاب «عبون الاخبار» ابن قتیبه (متوفی: ۲۷۶ هـ) ج ۲ ص ۱۵۲ طبع مصر.

مانوی را مغلوب نمود .

بدین ترتیب در محیط ساده و بی پیرایه اسلامی و بحیوچه مباحثات متکلمین، مجذوب عقاید و تعالیم اسلامی می شدند و با عشق و علاقه و از روی مطالعه اسلام رامی پذیرفتند، در نتیجه بسیاری از بزرگان و دانشمندان معروف ایرانی چون: «محمد بن زکریای رازی» (۹) و ادیب فاضل «عبدالله بن مقفع» (۱۰) و برمکیان (۱۱) و .. که کیش مانوی داشتند با کمال آزادی اسلام را پذیرفتند اینک به طرز اسلام آوردن «ابن مقفع» توجه فرمائید: «.. روزی ابن مقفع از کوچه تنگی میگذشت ناگهان صدای کودکی او را جلب کرد که با آوازی بلند این آیات را از قرآن مجید تلاوت میکند: «الم نجعل الارض مهادا والجبال اوتادا و خلقناکم ازواجاً وجعلناکم سبائاً» .

ابن مقفع به محض شنیدن کلام خدا، در حالیکه سکوت سراپای وجودش را فرا گرفته بود، بی اختیار ایستاد وقتی کودک آیات شریفه را تمام کرد ابن مقفع با خود گفت شکی نیست که این گفتار عالی ساخته اندیشه کوتاه بشر نیست! ... بدون درنگ نزد عیسی بن علی عم منصور» خلیفه عباسی رفت و گفت: نور اسلام در قلب من تأیید شده است و می خواهم در حضور

تو بدین اسلام مشرف گردم، عیسی در جواب گفت: این کار شایسته است که در حضور امراء لشکر و در پیش طبقات مردم انجام گیرد، بنا بر این بهین منظور فردا نزد من بیا... همان روز، شب هنگام ابن مقفع در ضمن خوردن شام بنا به عادت مانویان شروع بزمزمه کرد .

عیسی روی به او کرده گفت: آیا با اینکه قصد داری مسلمان بشوی باز هم طبق روش دیرینه خود بزمزمه مشغول هستی!؟

ابن مقفع گفت: از اینکه شی را در حال بیدینی بروز آورم ناراحت هستم، با مدد فرارسید، ابن مقفع بدست عیسی بن علی مسلمان شد و از آن پس منشی مخصوص او گردید . . . « (۱۲)

لذا روز به روز از تعداد آنان کاسته میشد بطوریکه نوشته اند: در زمان «معز الدولة» در بغداد عده آنان سیصد نفر بوده ولی طولی نکشید که بیش از پنج نفر از آنان باقی نماند (۱۳) .

مانویان تازه مسلمان بقدری تحت تأثیر تعالیم اسلام قرار گرفته بودند که قلم و بیان و هر نوع تدبیری که داشتند در تقویت اسلام و مسلمین بکار می بردند حتی خود در رد عقاید مانویان کتابها می نوشتند،

(۹) رازی کتابی نوشته بنام «مخاریق الانبیاء» که در آن عقاید مانویان را تأیید کرده است، ابو حاتم رازی کتاب «اعلام النبوة» خود را در رد آن کتاب نوشته است: عیون الانباء ص ۳۲۰ .

(۱۰) مراجعه شود به کتاب «الرد علی الزنادیق ابن المقفع» تألیف: قاسم بن ابراهیم ص ۴ - ۸ .

(۱۱) اقهرست: ۴۸۷ .

(۱۲) کتاب «ابن مقفع» ص ۸ تألیف حنا الفاخوری مصری .

(۱۳) فهرست ابن ندیم: ص ۴۸۶ طبع مصر .

صالح بن عبدالقدوس) اذانشمندان و متکلمین و ده نفر از شعرا و گویندگان مانوی را ذکر کرده که در محیط اسلامی بقدری آزادی داشتند که می توانستند کتابی بنویسند و یا اشعاری بگویند که در ضمن آن از عقاید خود دفاع نمایند (۱۵).

از طرف علما و دانشمندان و متکلمین اسلامی هم عقاید آنان شرح داده شده و کتابهای زیادی در پاسخ آنها نوشته شده است (۱۶).

چنانکه «محمد بن زکریای رازی» با اینکه خود او را در کیش مانوی بوده و در کتاب «مخاریق الانبیاء» از عقاید مانویان نیز دفاع کرده است ولی پس از آنکه اسلام آورد؛ در پاسخ سیس یاسین (که یکی از شاگردان مانوی بود و بعد از مرگ او بنا بر وصیت خلیفه کل مانویان گردیده بود) کتابی نوشته است (۱۳) «ابن ندیم» اسامی شش نفر: (ابوشاکر، ابن اخی ابی شاکر، ابن الاعدی الحریری، نعمان بن ابی العوجا،

ضایعة اسفناک

یکی از روحانیون معروف شیراز حضرت آیت الله حاج شیخ محمد جواد آیه اللهی دارقانی را بدرود گمت فقید سعید يك عمر طولانی در این شهر به هدایت و ارشاد مردم اشتغال داشت، یانی رسا و تواضعی چشمگیر و کوشش و تلاشی فراوان در مسائل دینی داشت اما متأسفانه در سالهای آخر عمر شدیداً بیمار و بستری شد اما همواره صبور و شوکر گزار بود. ما این ضایعه را به جامعه روحانیت فارس و بازماندگان محترم آن مرحوم تسلیت می گوئیم (و از اینکه بخاطر تیرا از زیاد مجله، و تسریع در چاپ هر شماره، بموقع نتوانستیم به این مناسبت تسلیت گوئیم، پوزش می طلبیم)

(۱۳) عیون الانبیاء فی طبقات الاطباء : ج ۱ ص ۳۱۵ .

(۱۵) الهرست : ابن ندیم ص ۴۸۷ .

(۱۶) «الفصل فی الملل و الاواء و النحل» تألیف ابن حزم اندلسی ج ۱ ص ۳۵ - ۴۴ - طبع مصر البده

والتاریخ : مقدسی - جلد اول .